

## امام حسین (ع) می دانستند پایان مسیر شهادت و اسارت خواهد بود

امام حسین (ع) در مسیر خود به کوفه فرمود: کسی نمی‌تواند بر آنچه که خواست خداست غلب کند، خدا از من می‌خواهد در برابر یزید بایستم، این دستور خداست.



امام حسین (ع) در مسیر خود به کوفه فرمود: کسی نمی‌تواند بر آنچه که خواست خداست غلب کند، خدا از من می‌خواهد در برابر یزید بایستم، این دستور خداست.

به گزارش خبرنگار مهر، ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر واقعه ای بزرگ را در دل خود دارد که نقطه عطف مبارزه با ظلم و کج روی ها برای بقای اسلام اصیل است، قیامی که از سوی امام حسین (ع) چنان حادثه ای را در تاریخ اسلام و حتی جهان رقم زد که منشأ قیام های پس از خود و انقلاب های بزرگ جهانی شد.

زنده ماندن عاشورا پس از قرن ها از این اتفاق نشان دهنده عمق مبارزه و اثرگذاری این حرکت حتی با وجود تعداد اندک قیام کنندگان است. امام حسین با ۷۲ تن از یارانش چنان حماسه ای را رقم زد که به گفته خود ایشان نجات دهنده اسلام و مانع انحراف از خط اصلی دین شد. مسئله حکمرانی قیام عاشورا علیه حاکمیت یزید و امویان موضوعی است که حجت الاسلام نجف لک زایی رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگی اسلامی در سلسله مباحثی به آن پرداخته و خبرگزاری مهر در نظر دارد آن را در طول دهه محرم منتشر کند. بخش های قبلی سخنان پیش از این منتشر شده است و حال بخش نهم را می خوانید.

دستاورد بحث ما تاکنون این شد که حضرت سیدالشهدا با عدم بیعت با یزید حرکت خود را شروع کرد و صحبت از این بود که ما ۲ دسته انسان داریم، کسی مثل امام حسین (ع) که انسان توحیدی و حق گرا است با کسی مثل یزید که انسان ظالم یا طاغوتی است بیعت نمی کند و این موضوع روشن است.

در حکمرانی یزیدی سیاستگذاری و اولویت گذاری و برنامه ریزی برخلاف دستورات اسلام است. در صحبت هایی که امام در مکه داشت این را تاکید کرد که بر تکلیف دینی خود عمل می کند.

در چند اتفاق دیگر حضرت گفت و گوهایی با مردم در مسیر داشتند و در این صحبت ها حرکت خود را تبیین کردند. مانند اینکه در منابع تاریخی آمده یکی از مردم کوفه که با کاروان حضرت مواجه شد خواست امام را ببیند که او را به چادر امام بردند، مرد نقل کرد وارد چادر امام حسین (ع) شدم و دیدم امام قرآن می خواند و قطره های اشک بر محاسنش جاری شده است. به ایشان عرض کردم پدر و مادرم فدای تو ای فرزند دختر پیامبر، چه انگیزه ای شما را به این بیابان بی آب و علف کشانده است؟ امام به این مرد کوفی پاسخ می دهد بنی امیه من را تهدید کرده اند و من از مدینه به مکه آمدم در مکه تهدید کردند و به دعوت کوفیان به سمت کوفیان می روم و این نامه های مردم کوفه است، در حالی که اینها قاتل من خواهند بود.

برنامه ریزی حضرت سید الشهداء (ع) پیروزی در حادثه عاشورا بود

البته امام از مدینه که حرکت خود را شروع کردند می دانستند پایان مسیر شهادت و اسارت خاندان خود خواهد بود اما امام طوری برنامه ریزی کردند که پایان این راه پیروزی باشد. یعنی اگر با زنده بودن خود نمی‌تواند جلوی اقدامات علیه اسلام را بگیرد با شهادت خودش دودمان یزید و حکومتش را بر باد دهد که همینطور شد.

سپس فرمود ای مرد کوفی بدان اینها یعنی مردم کوفه من را می‌کشند، دستورات خدا را هتک می‌کنند. یعنی امام می‌دانند در آخر چه خواهد شد. ای شن می‌فرمایند اینها اگر از مثل منی استقبال نکنند و از من طرفداری نکنند خدای متعال روز به روز دلیل ترشان می‌کند. یعنی اینها خود با اعمالشان خود را دلیل تر می‌کنند. از نظر تاریخی هم این اتفاق افتاد و حکومت یزید و امویان از بین رفت و در بیابانی که تاریخ هم نمی‌داند چطور، کشته شد. همین مردم کوفه گرفتار حجاج بن یوسف ثقفی شدند و کسانی که امام حسین (ع) را نصیحت می‌کردند به دست حجاج افتادند.

ما چشمه جوشان علم و خانه ما محل حضور ملائکه است

امام در منزل ثعلبیه بود که مرد دیگری از کوفه به نزد ایشان می‌آید. امام از او پرسیدند اهل کجایی، مرد گفت کوفه، مرد کوفی خود نقل می‌کند که امام حسین (ع) گفت مرد کوفی اگر تو را در مدینه ملاقات می‌کردم به تو جایی که جبرئیل در خانه ما بر

پیامبر نازل شد را نشان می دادم. حضرت می خواست نشان دهد چه کسی است و چه جایگاهی دارد. سپس فرمودند ما چشمه جوشان علم هستیم، می شود که الان بگوید اینها جاهل هستند و ما عالمیم، یعنی اگر یزید می گوید امام خروج کردند آیا شدنی است؟ سپس آیه تطهیر را خواند و به این ترتیب می خواهد به صورت مختلف نسبت به جایگاه اهل بیت آگاهی دهد.

فرمان قیام از سوی خداوند است

در یکی دیگر از منازل مرد دیگری از قبيله اكرمه نزد امام آمد و پرسید مقصد شما كجاست؟ امام فرمود كوفه. مرد گفت این سفر خطرناك است و برگردید، من كسانی را می بینم كه زبانشان با شماست ولی شمشیر و نیزه اینها علیه شماست. دلشان می خواهد با شما باشند ولی به شرطی كه هزینه نکنند. در واقع می خواست بگوید برخی مسلمان های زبانی هستند عاشق اسلام هستند ولی نمی خواهند هزینه کنند.

امام فرمود ای برادر تو فكر می كنی من نمی دانم؟! بر من چیزی پوشیده نیست، کسی نمی تواند بر آنچه كه خواست خداست غلب كند، خدا از من می خواهد در برابر یزید بایستم، این دستور خداست. امام یعنی کسی كه معصوم است و از دستور خدا تخطی نمی كند. من باید در برابر طاغوت بایستم ولو سرانجامش شهادت باشد و می دانم سرانجامش شهادت است. اینها دست از من برنمی دارند تا من را بكشند. وقتی این كار را كردند خدا بر اینها كسانی را از طاغوت مسلط می كند كه دلیشان می كند. چنان كه از خارتترین گروه های امت خواهند بود و این اتفاق افتاد، چرا كه بعد از آن كوفیان روز خوش ندیدند.